

## استاد برنجکار

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين محمد و آله الطاهرين، سيما بقیة الله فی الأرضین، المهدي الموعود عج الله تعالی فرجه الشریف، السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التي حلت بفنائك عليك منى سلام الله ابدأ ما بقیت و بقى الیل و النهار و لا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام على الحسين و على بن حسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين.

خير مقدم عرض می‌کنم خدمت همهی عزیزان و سروران، اساتید محترم، دانشجویان عزیز، کارمندان محترم و بخصوص جناب آقای دکتر مهدی نژاد معاون محترم پژوهشی وزارت علوم و همین‌طور جناب آقای دکتر ضیائی فرزند مرحوم دکتر ضیائی بنیانگذار این مرکز آموزش عالی.

تسلیم عرض می‌کنم شهادت آقا ابا عبدالله علیه‌السلام و امام سجّاد علیه‌السلام و اصحاب با وفای ایشان را. گرامی می‌داریم یاد و خاطره‌ی شهید دکتر مفتاح را که دانش آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم و دانشگاه تهران و نماد وحدت حوزه و دانشگاه را بر دانشگاهی که افتخار دارد تلاشش وحدت عملی حوزه و دانشگاه هست، امسال جشنواره‌ی پژوهشی پردیس مصادف شده است با چهلمین سال تأسیس پردیس قم، و به همین مناسبت گرامی می‌داریم یاد و خاطره‌ی مرحوم دکتر محمد حسین ضیائی بیگدلی را و قدردانی می‌کنیم از زحمات و تلاش‌های ایشان که در چند ماه اخیر به رحمت ایزدی پیوست، بنا بود که در این مجلس ایشان حضور داشته باشند و از ایشان تجلیل بشود منتهی تقدیر به این صورت بود که چند ماه قبل ایشان به رحمت خدا رفتند و فرزندشان تشریف آوردند انشاءالله دقایقی را هم خدمت ایشان خواهیم بود و استفاده خواهیم کرد.

شعار؟؟؟ مربوط می‌شود به پژوهش‌های کاربردی، هر سال معمولاً شعاری را جشنواره دارد جهت تأکید بر مطلبی در امر پژوهش خوب انتظار می‌رود که بنده هم چند جمله‌ای در این ارتباط صحبت کنم شاید امروز مهمترین موضوع بحث علمی ما در علوم انسانی دو تا بحث باشد، که در بحث اخیر الگوی اسلام ایرانی پیشرفت به این دو نکته اشاره شده است.

یکی از این دو نکته عبارت است از اینکه علوم انسانی باید بر اساس مبانی اسلامی و اعتقادات مردم ایران که اسلام هست باید شکل بگیرد و توضیح بشود، و نکته‌ی دوّم اینکه علوم انسانی باید پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی ایران امروز ما باشد، دو تا واژه‌ی اسلام ایرانی در عنوان الگوی ایرانی و اسلامی پیشرفت به همین دو بحث اشاره دارد البته بحث امروز ما به نکته‌ی دوّم بیشتر ارتباط دارد، گرچه این دو بحث جدایی از هم نیستند و هر کدام لوازم و اقتضاعاتی در بحث دیگری دارد.

به نظر می‌رسید که تا ماهیت علوم انسانی برای ما مشخص نباشد ما نمی‌توانیم در این دو بحث، بحث اسلام کردن عمومی و بحث کاربردی کردن علوم انسانی تحلیل درستی را بتوانیم ارائه بدهیم بنابراین خوب هست که در ابتدا

اشاره‌ای به علوم انسانی و ماهیت علوم انسانی، و ویژگی‌های علوم انسانی داشته باشیم، هر علمی سه ویژگی اساسی دارد موضوع آن علم، روش آن علم، غایت و هدف آن علم، علم را بر اساس این سه ویژگی می‌توان تعریف کرد، در علوم انسانی موضوع بحث ما چیست؟ ممکن هست بفمائید انسان، اگر این را بفمائید مگر در علم پزشکی راجع به انسان بحث نمی‌کنیم؟ پس علم پزشکی در علوم انسانی هست، مگر در زیست‌شناسی از انسان بحث نمی‌کنیم، اساساً همه‌ی گروه برای انسان، حتی گروه فنی هم برای رفاه انسان، بنابراین در اینجا انسان را از یک زاویه‌ی خاصی ما بررسی می‌کنیم در علوم انسانی، انسان بما هو انسان، یعنی انسان بعنوان موجودی که دارای عقل و اختیار هست موضوع علوم انسانی هست و البته رفتارهای او، انسان بما هو انسان، موجود عاقل و مختار و رفتارهای فردی و اجتماعی او، این موضوع بحث علوم انسانی هست.

روش علوم انسانی چیست؟

اینجا بحث زیاد هست، اجمالاً گروهی معتقد بودند که روش این علوم روش تجربی هست، آگوسپوم بنیانگذار؟؟؟ معتقد بود که روش علوم انسانی تفاوتی با روش‌های علوم فنی و علوم تجربی و پزشکی ندارد، ولی به نظر می‌رسد که این طوری نیست علوم انسانی از روش‌های مختلفی استفاده می‌کند و بهره‌برداری می‌کنید، از روش‌های تجربی، روش‌های عقلی، روش‌های حتی احساسی، روش‌های شهودی و روش‌های نقلی، از مجموعه‌ی این روش‌ها استفاده می‌کند که البته الآن جای این بحث نیست، اما در باب غایت که شاید مهمترین بحث ما باشد که به موضوع این جلسه هم مرتبط هست، غایت در علوم انسانی چیست؟ ما از علوم انسانی چه می‌خواهیم، هدف از تأسیس علوم انسانی چیست؟ غایت علوم انسانی عبارت است از توصیف انسان بما هو انسان و رفتارهای او، توصیف وضعیّت موجود انسان فردی و انسان اجتماعی، توصیف وضعیّت مطلوب فردی و اجتماعی انسان، و توصیف مسیری که انسان و جامعه‌ی انسانی باید از مسیر بگذرد تا به وضعیّت مطلوب برسد و مدیّریّت انسان و جامعه‌ی انسان در این سیر مسون می‌باشد، این غایت علوم انسانی هست و ما در بحث کاربرد باید بر اساس؟؟؟ علوم انسانی و ویژگی‌های علوم انسانی که به صورت بسیار خلاصه عرض شد و بخصوص غایت علوم انسانی به مسئله‌ی کاربرد نگاه کنیم.

تحقیق یا ترجمه‌ی فارسی آن پژوهش مصدر باب تفعیل است از ریشه‌ی حق، تحقیق فرایند و خلاصه‌ای هست که در آن محقق به حق؟؟؟ به حق لا مکشوف می‌رسد، ارسطو در کتاب متافیزیک جمله‌ی اول این کتاب این هست، می‌گوید همه‌ی انسان‌ها فطرتاً جوای دانستن هستند یعنی انسان‌ها فطرتاً پژوهش‌گر هستند می‌خواهد بدانند و می‌خواهند حق را بشناسند، اما فرانسویس بیکر از پیشگامان رنسانس اخیر چون در قرن ما چندین رنسانس داشتیم، در قرن نهم، در قرن سیزدهم و در قرن ۱۶ و ۱۷، می‌گوید که نه پژوهشی که ما را مسلط نکند به طبیعت هست، رفاه؟؟؟ این پژوهش به درد نمی‌خورد برخلاف دیدگاه ارسطویی که علم برای علم، بیکر می‌گوید علم برای تسلط بر طبیعت، و

برای بهره‌کشی از طبیعت و برای رفاه انسان، علی‌رغم این که در جبهه‌ی عقل‌گرایان قرار دارد و بعنوان رئیس ناسیونالیست‌ها در مقابل آمفیست‌ها به رهبری فرانسیس بیکر او هم می‌گوید که علم باید مفید فایده باشد، خوب نظر اسلام چه هست؟ آیا علم باید مفید فایده باشد یا علم برای علم، و اگر علم مفید فایده باشد این فایده چیست؟ به نظر می‌رسد که تأکیداتی که در احادیث شده بر اینکه علم باید به عمل منجر باشد، عالم بی عمل موجود مطلوبی در اسلام نیست بلکه مورد مزمت قرار گرفته است، اما این عمل چیست؟ آیا این علم بهره‌کشی طبیعت هست؟ آیا مسلح شدن بر طبیعت هست؟ آیا استثمار انسان‌های دیگر برای رسیدن به منافع خود هست که تمدن غربی روی این مبنا استوار شده، وقتی کشوری مثل آمریکا از آن طرف عالم می‌آید به این سمت چندین کشور را اشغال می‌کند دیگر منافع ما اقتضا می‌کند که این کشورها را اشغال کنیم، آیا اسلام همین را می‌گوید؟ اسلام هم می‌گوید علم باید مفید فایده باشد، اما این فایده سعادت انسان هست، نه استثمار، نه بهره‌کشی، نه منافع مادی، اسلام انسان را در یک افق ابدیت می‌بیند نه فقط در دنیا، اسلام انسان را در همه‌ی ابعاد خودش می‌بیند نه فقط بعد حیوانی و مادی، علم باید مفید فایده باشد پژوهش باید کاربردی باشد فایده داشته باشد اما این فایده سعادت انسان هست اینجا است که مرز علوم اسلامی، علوم انسانی مبتنی بر اسلام از علوم غربی جدا می‌شود، گفتیم که علوم انسانی غایاتش توصیف انسان، توصیف وضعیت موجود، توصیف وضعیت مطلوب، توصیف مسیر و مدیریت مسیر و مدیریت انسان و جامعه، برای رساندن انسان به اهداف مخفی، این اهداف عبارت است از کمال و سعادت، حالا علوم انسانی در اینجا کاربردش چه هست؟ ما چون؟؟ علوم فنی و پزشکی هستیم گاهی می‌گوییم علوم انسانی به چه دردی می‌خورد، مگر علوم انسانی ماشین درست می‌کند، مگر علوم انسانی مریض را شفا می‌دهد، کاربرد را کاربرد مادی می‌بینیم، رفاه مادی می‌دانیم لذا از بچگی به ما گفته‌اند که یا باید دکتر بشوی یا مهندس، دکتر هم منظور دکترهایی مثل ما نیست، علم پزشکی، دکتر و مهندس، علوم انسانی که کاربرد ندارد یکی از دانشجویها چند سال پیش آمد پیش من با یک حالت خاص می‌گفت که پدرم می‌گوید فلسفه به چه دردی می‌خورد؟ گفت خاورت هم ادبیات بود به چه درد می‌خورد، پزشکی و مهندسی، به چه دردی می‌خورد چون درد یعنی ماشین یعنی هواپیما، یعنی مریض شدم من را سالم کن، در حالی که علوم انسانی وظیفه‌اش هدایت انسان هست اگر خیلی ساده بخواهیم بگوییم علوم انسانی عبارت هست از فرهنگ عمیق، علوم انسانی عبارت است از لایه‌های عمیق فرهنگ یک جامعه، ما در یک فرهنگ داریم زندگی می‌کنیم در یک فرهنگ داریم حرف می‌زنیم، آن فرهنگ پایه‌هایش علوم انسانی هست، علوم انسانی علومی هستند که انسان را هدایت می‌کنند بلکه ممکن هست که انسان را هدایت کند به سوی تسلط و استثمار و رفاه، ممکن هست انسان را هداست کند به سوی کمال، به سوی سعادت، بنابراین من می‌خواهم در اینجا یک نتیجه‌ای بگیریم از این بحث، علوم انسانی کی کاربردی می‌شود؟ هر پژوهشی، پژوهش‌ها کی کاربردی می‌شود، هر پژوهشی که توصیفی درست و واقعی از انسان و از جامعه ارائه دهد،

## استاد برنجکار

مشکل ما این هست که می‌گویند علوم انسانی کاربردی نیست، بیش از اینکه ما پژوهش‌های ما مشکلش این باشد که کاربردی نیست مشکل ما این هست که سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی حاضر نیستند که از پژوهش‌های ما استفاده بکنند، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی حاضر نیستند برای کارهای کارشناسی‌شان به دانشگاه، به استاد و به محقق مراجعه کند، لذا ما متخصصین علوم انسانی کاری نداریم، ماشین که نمی‌توانیم درست کنیم، مریض‌ها را که نمی‌توانیم شفا بدهیم، آن کاری هم که می‌توانیم انجام بدهیم نهادها خودشان انجام می‌دهند بدون کار کارشناسی، لذا ما چه کاره‌ایم.

اینجاست که گفته می‌شود علوم انسانی به درد نمی‌خورد، به درد می‌خورد ولی از آن فایده‌اش ما استفاده نمی‌کنیم، وقتی که گفته می‌شود دو دسته از پژوهش‌های کشور باید به پژوهش اختصاص داده بشود فوراً می‌گوید سدّ ما فلان جایش اشکال دارد برویم پروژه ببندیم که اشکال برطرف بشود هیچ کسی نمی‌گوید که این متخصصین رشته‌ی حقوق، مدیریت، یا فلسفه یا اختصار، باید ما با اینها مشورت کنیم وقتی می‌خواهیم قانون گذاری کنیم باید با اینها مشورت کنیم، وقتی اداره‌ی ارشاد می‌خواهد مشکلات و ناهنجاری‌ها را حل بکند می‌گویند خودمان یک جلسه‌ای تشکیل می‌دهیم و یک نفر برود یک بررسی بکند، سر هر چیزی می‌نشینیم جلسه‌ای می‌گیریم باید جهادی عمل بکنیم، باید بسیجی عمل بکنیم، اینجا جای فرض کردن نیست، اینجا جایی نیست که از آقای دکتر بخواهیم، که آقای دکتر پروژه‌ی میدانی انجام بدهید ببینید که واقعاً مشکلات از کجاست، یک راه حل ارائه بده، خودمان جلسه می‌گیریم و آن پژوهش را هم از آن یکی دو درصد هم از راه‌های دیگر استفاده می‌کنیم و این مشکلاتی هست که باید حل بشود، مقام معظم رهبری که در چند هفته‌ی پیش که خدمتشان بودیم در جلسه با نخبگان حوزوی، یکی از آقایان جمله‌ای فرمودند که ایشان فرمودند نه من نمی‌گویم که علوم انسانی فایده دارد یا ندارد، من این را نمی‌گویم من می‌گویم که علوم انسانی غربی مضرّ هست و علوم انسانی اسلامی ضروری هست، بحث فایده و غیر فایده نیست، بحث مضر و ضروری هست، آن که مطلوب هست ضروری و باید هست باید برویم به سمتش و فکری بکنیم، باید دیگران از ما بخواهند، من خدمت آقای دکتر مهدی نژاد عرض کردم که دانشگاه‌ها را مکلف کنیم، بخواهید که این کارها را باید انجام بدهید و بعد تشویق بکنید، هرکسی که بیشتر کمک کرد بیشتر مورد تشویق قرار بگیرد، پروژه‌ها را جهت بدهید به این سمت.

من فکر می‌کنم دانشگاه‌های قم باید رسالت خودشان را در اینجا ایفا کند و باید مأموریت به قم و دانشگاه‌های قم داده بشود و این کار به سامان نمی‌رسد مگر با همکاری حوزه و دانشگاه و بهترین دانشگاه‌هایی که می‌توانند تعامل بکنند با حوزه و کمک بکنند برای اینکه ما علوم انسانی اسلامی و کاربردی تولید بکنیم دانشگاه‌های قم هست، و پردیس قم با سابقه‌ی ۴۰ ساله بعنوان اولین دانشگاهی که در قم تأسیس شده آمادگی خودش را برای کمک در این مسیر اعلام می‌کند.

## استاد برنجکار

امیدواریم که وزارت علوم هم با سیاست‌های خودش و با سوق دادن ارزیابی در علوم انسانی به سمت علوم انسانی اسلامی و کاربردی ما را تشویق بکند، و ما هم آمادگی خودمان را اعلام می‌کنیم انشاءالله بتوانیم دست به دست هم بدهیم برای ساختن کشورمان و تأسیس ایرانی آباد و با سعادت.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.